

اخلاق شهروندی

نویسندگان:

رشد بارانزهی

دکتر سبحان میردانی

نشر مان‌نار

اخلاق شهروندی

سرسناسه:	بارانزهی، راشد، ۱۳۶۷ -
عنوان و نام پدیدآور:	اخلاق شهروندی / راشد بارانزهی، سبحان میرزائی.
مشخصات نشر:	تهران: مانانگار، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری:	۲۳۸ ص.
شابک:	978-622-5549-52-4
وضعیت فهرست نویسی:	فیفا
یادداشت:	کتابنامه.
موضوع:	شهروندان ایرانی -- جنبه‌های اخلاقی Civics, Iranian -- Moral and ethical aspects شهروندی -- ایران -- جنبه‌های اجتماعی Urbanization -- Iran -- Social aspects شهروندان -- جنبه‌های اخلاقی Civics -- Moral and ethical aspects شهروندی -- جنبه‌های اجتماعی Urbanization -- Social aspects میرزائی، سبحان، ۱۳۶۵ -
شناسه افزوده:	۹۵۱۳۶۲۴
رده بندی یکره:	۳۰۷/۳۳۱۶۷۰۹۵۵
رده بندی دیویی:	۹۵۱۳۶۲۴
شماره کتابشناسی ملی:	فیفا
اطلاعات رکورد کتابشناسی:	
نویسندگان:	راشد بارانزهی - دکتر سبحان میرزائی
مدیر تولید:	مهندس زهرا شیخ انصاری
طراح جلد:	مهدی اعظمی
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۵۵۴۹-۵۲-۴
تیراژ:	۱۰۰ نسخه
نوبت چاپ:	اول / بهار ۱۴۰۳
مشخصات نشر:	تهران، نشر مانانگار ۱۴۰۳
تلفن:	۰۹۱۰۲۴۲۵۵۲۱
ایمیل:	mananegar20@gmail.com
وب سایت:	mananegar.ir
قیمت:	۲۵۰۰۰ تومان



انتشارات مانانگار

فهرست

۱۳.....	سخن ناشر
۱۵.....	پیشگفتار
۳۱.....	فصل اول: ریشه‌های طبیعی و تاریخی شکل‌گیری سازمان‌های محلی
۳۳.....	مقدمه فصل اول
۳۴.....	بررسی تاریخی شکل‌گیری تمدن بشری
۴۳.....	ریشه‌های طبیعی و تاریخی سازمان‌های محلی
۴۵.....	واکاوی مفهوم سازمان محلی
۴۸.....	اقسام سازمان‌های محلی
۵۰.....	سازمان محلی از لحاظ حدود و انواع هدف‌ها
۵۱.....	الف- سازمان‌های محلی انتخابی
۵۸.....	ب- سازمان محلی غیر انتخابی
۶۱.....	فصل دوم: مدرنیته و شهرنشینی در ایران
۶۳.....	مقدمه فصل دوم
۶۳.....	شکل‌گیری زندگی شهری و روستایی در ایران
۶۵.....	مفهوم شهر
۶۵.....	چیستی شهروندی
۶۷.....	عوامل اصلی تاریخی شکل‌گیری شهرها
۶۷.....	الف- عامل سرزمینی (جغرافیایی - طبیعی و اقلیمی)
۶۸.....	ب- ظهور شهر به مثابه تکامل مناسبات اجتماعی
۶۹.....	ج- بازسازی مناسبات شهری به مثابه روش ایجاد شهر
۷۰.....	چیستی مدرنیته و شهرنشینی
۷۲.....	مدرنیسم و تقدّم ذهنیت عقلانی بر عاطفه
۷۳.....	پیچیدگی فرهنگ مدرن و زیست مبتنی بر معرفت عقلانی

۷۴	تمایز شهر از روستا؛ شاخص‌ها و ویژگی‌ها
۷۴	دولت و مدیریت عمومی در ایران؛ بررسی و تحلیل ماهیت ارتباط

۷۷	فصل سوم: اخلاق، مفاهیم و رویکردها
۷۹	مقدمه فصل سوم
۷۹	اخلاق چیست؟
۸۰	تعریف علم اخلاق
۸۱	اهمیت و ضرورت اخلاق و علم اخلاق
۸۳	مروری بر مکاتب و رویکردهای اخلاق
۸۳	۱- اخلاق هنجاری
۸۴	۲- اخلاق فلسفی یا فرائیض
۸۶	۳- اخلاق کاری
۸۷	۴- اخلاق کاربردی
۸۸	۵- اخلاق توصیفی

۸۹	فصل چهارم: مدرنیسم و معمای اخلاقی
۹۱	مقدمه فصل چهارم
۹۱	نظریات زیمل و چالش‌های اخلاقی شهرنشینی در جهان مدرن
۹۱	الف- زیمل و مساله تسلط روح عینی
۹۲	ب- دلزدگی و توداری
۹۲	ج- از خود بیگانگی فرهنگی
۹۴	ضرورت‌های اخلاقی چالش‌های زیست محیطی
۹۴	آیا اخلاق زیست محیطی انسان محور؟
۹۶	تعمیق مدرنیسم، گسترش شهرنشینی و چالش‌های اخلاقی زیست محیطی
۹۶	ضرورت توجه اخلاقی به حقوق محیط زیست و شکل‌گیری اخلاق زمین

۹۹	فصل پنجم: آثار اجتماعی و اخلاقی پیدایش و توسعه سازمان‌های محلی
۱۰۱	مقدمه فصل پنجم
۱۰۱	پیشینه پیدایش حکومت‌های محلی

- مروری بر تجارب جهانی پیدایش حکومت‌های محلی ۱۰۲
- آثار و پیامدهای پیدایش و توسعه سازمان‌های محلی ۱۰۳
- کالبد شکافی ارتباط دولت با سازمان‌های محلی ۱۰۹
- تأثیر واگذاری اختیارات محلی به مردم در توسعه دموکراسی ۱۱۱
- راه‌های مشارکت عامه در خط‌مشی‌گذاری ۱۱۵
- ارزیابی دیدگاه‌های مختلف در زمینه مشارکت عامه ۱۱۶
- چارچوبی برای مشارکت مردم در خط‌مشی‌گذاری عمومی ۱۱۸
- هدف مشارکت ۱۱۸
- ماهیت موضوع در مشارکت ۱۲۱
- بسترهای اخلاقی و روانی مؤثر در سپردن کارها به مردم ۱۲۵
- ۱- مسئله خانوادگی و اشتراک در منافع ملی ۱۲۵
- ۲- اقامتگاه و محل کسب و کار ۱۲۵
- ۳- آشنایی به موقعیت و اوضاع و احوال و آداب و رسوم محل ۱۲۶
- ۴- احاطه به احتیاجات محلی ۱۲۶
- ۵- تناسب عوارض و مالیات‌های محلی با توجه به قدرت پرداخت مردم ۱۲۶
- ۶- مسئولیت در مقابل انتخاب‌کنندگان ۱۲۶
- ۷- علاقه به کسب شهرت و افتخار در مقابل بستگان و دوستان ۱۲۷
- ۸- توجه به اولویت برنامه‌ها و هزینه‌ها ۱۲۷
- ۹- ترقی و پیشرفت محل ۱۲۷
- ۱۰- وضع قوانین مقررات منطبق با احتیاجات و مقتضیات محل ۱۲۷
- ۱۱- آماده کردن مردم محل برای قبول مسئولیت‌های بزرگ‌تر ۱۲۸
- ۱۲- کاستن و سبک کردن فشار از دوش حکومت مرکزی ۱۲۸
- ۱۳- تشکیلات متناسب با احتیاجات محلی ۱۲۸
- واکاوی نقش سازمان‌های محلی در توسعه سیاسی- اجتماعی ۱۳۱
- گروه‌های ذی نفوذ؛ زمینه‌های تاریخی، فرصت‌ها و چالش‌ها ۱۳۵
- نقش‌های مثبت گروه‌های ذی نفوذ ۱۳۸
- ۱- تبیین نیازها و انتظارات شهروندان ۱۳۸
- ۲- تدوین دستور کار برای خط‌مشی‌گذاری ۱۳۹
- ۳- قدرت نظارت و کنترل گروه‌های ذی نفوذ ۱۳۹
- ۴- تحلیل مسائل عمومی ۱۳۹

منابع نفوذ گروه‌های ذی‌نفوذ	۱۴۰
۱- ترغیب و امتناع	۱۴۰
۲- نفوذ از طریق مقررات	۱۴۰
۳- نفوذ از طریق کنترل آراء	۱۴۱
۴- نفوذ به وسیله پشتیبانی از مبارزه انتخاباتی	۱۴۱
۵- نفوذ از طریق رهبران نخبه	۱۴۱
مشکلات ناشی از گروه‌های ذی‌نفوذ	۱۴۲
۱- نابرابری و تبعیض سیاسی	۱۴۲
۲- تبعیت منافع عمومی از منافع گروهی خاص	۱۴۲
۳- قدرت و تو گروه‌های ذی‌نفوذ	۱۴۲
قدرت و اثربخشی گروه‌های ذی‌نفوذ	۱۴۳
جایگاه حقوقی حکومت‌های محلی	۱۴۴
توسعه پایدار و اخلاق زیست محیطی	۱۴۷
فصل ششم: تعالی اخلاقی شهروندی (چالش‌ها و فرصت‌ها)	۱۴۹
مقدمه فصل ششم	۱۵۱
آگاهی شهروندی	۱۵۱
چالش‌های رشد اخلاق شهروندی در جامعه	۱۵۲
پیامدها و آثار عدم رعایت قواعد اخلاقی	۱۵۵
پیامدها و آثار فردی	۱۵۵
پیامدها و آثار گروهی	۱۵۶
خوانایی شهر و امنیت روانی شهروندان؛ بکارگیری اصول روانشناسانه و اخلاقی در طراحی شهری	۱۵۶
فرجام سخن	۱۵۷
فصل هفتم: اخلاق حرفه‌ای و وجدان کاری در سازمان‌های محلی	۱۵۹
مقدمه فصل هفتم	۱۶۱
مولفه‌های اصلی اخلاق حرفه‌ای در سازمان‌های محلی	۱۶۱
۱- علاقه در کار	۱۶۱
۲- مشارکت در کار	۱۶۲

۳- روابط انسانی	۱۶۳
۴- پشتکار در کار	۱۶۳
عوامل موثر بر وجدان کاری در سازمان‌های محلی	۱۶۳
تقویت وجدان کاری	۱۶۴
ویژگی‌های انسانی فرد در سازمان‌های محلی	۱۶۴
بررسی عامل ماهیت و نوع شغل	۱۶۵
اهمیت و ضرورت اخلاق در مدیریت سازمان‌های محلی	۱۶۵
عوامل موثر بر اخلاق حرفه‌ای	۱۶۸
۱- جنبه فردی	۱۶۸
۲- جنبه سازمانی	۱۶۸
۳- جنبه محیطی	۱۶۸

فصل هشتم: جهانی شدن و ظهور شهروند جهانی	۱۶۹
مقدمه فصل هشتم	۱۷۱
واکاوی مفهوم شهروند جهانی	۱۷۱
چیستی جهانی شدن	۱۷۲
دیرینه‌شناسی جهانی شدن؛ بررسی پایه‌های فکری و فلسفی	۱۷۶
نقد و بررسی آراء جوزف استیگلیتز: جهانی شدن و اصول اخلاقی	۱۸۱
نحله‌شناسی دیدگاه دانشوران ایرانی درباره جهانی‌شدن	۱۸۸
ابعاد جهانی شدن	۱۸۹
۱- در حوزه فنی و تکنولوژیک	۱۸۹
۲- حوزه اقتصادی	۱۹۰
۳- از دید سیاسی	۱۹۰
۴- در گستره‌ی فرهنگی	۱۹۰
شکل‌گیری شهروند جهانی	۱۹۰
ویژگی‌های شهروند جهانی	۱۹۱
عوامل شکل دهنده شهروند جهانی در پرتو جهانی شدن	۱۹۲
۱- بحران هویت	۱۹۲
۲- مسائل امنیتی جهانی	۱۹۳
۳- واگذاری بخشی اختیارات دولت‌ها به سازمان‌های بین‌المللی	۱۹۴

۱۹۵	۴- سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی
۱۹۶	۵- تکثر ابزارهای ارتباطی
۱۹۷	۶- فرا/شبه شهروندی
۱۹۹	عناصر و مولفه‌های فرهنگ و هویت ملی شهروندان ایرانی
۲۰۱	شاخص‌های بعد اجتماعی هویت ملی شهروندان در ایران
۲۰۲	شاخص‌های بعد تاریخی هویت ملی در ایران
۲۰۲	شاخص‌های بعد جغرافیایی هویت ملی در ایران
۲۰۳	شاخص‌های بعد فرهنگی هویت ملی در ایران
۲۰۳	شاخص‌های بعد سیاسی هویت ملی شهروندان در ایران
۲۰۴	نقد و بررسی هویت و فرهنگ شهروند ایرانی در عصر جهانی شدن
۲۰۵	عوامل موثر در جهانی شدن جامعه ایرانی
۲۰۶	بحران کارگران مهاجر، چالشی فراروی جوامع پسمادرن!
۲۰۹	فرجام سخن
۲۱۰	راهبردها و راه‌کارها
۲۱۱	فصل نهم: نتیجه‌گیری
۲۱۳	سخن آخر
۲۱۹	منابع و مآخذ و ضمائم

سخن ناشر

زندگی و تصمیمات ما تا حد قابل توجهی متأثر از اخلاقیات فرهنگی و فردی است. علاوه بر این، ما تحت تاثیر ارزش‌های فرهنگی و اخلاقیات اطرافیان مان هم هستیم. ارزش‌های ما، ارزش‌های فرهنگی ما و اخلاقیات ما روی تصمیماتی که در زمان مواجهه با تضادهای اخلاقی مجبور به گرفتن‌شان می‌شویم، تاثیر مهمی بر جای می‌گذارند.

انتظار از تحقق و توسعه اخلاق شهروندی در تمام کنشگران شهرنشین، پدیده‌ای است که امروزه در بررسی‌های اجتماعی و شهری بدان به شکل ویژه‌ای توجه می‌شود. چنانچه ذهنیت شهروندان و فرهنگ‌سازی آنها بر مبنای اخلاق صورت گیرد می‌توان انتظار داشت که اخلاق شهروندی به خوبی رعایت شود و همگی بر تکلیف و وظیفه خود آگاه شده و بر مبنای آن عملکرد مناسبی خواهند داشت.

یک کتاب نتیجه پژوهش بیش از سه ساله آقای راشد بارانزهی و آقای دکتر سبحان میرزائی ست و مشتمل بر نه فصل می‌باشد. نویسندگان کوشیده‌اند در فصول ارائه شده، ضمن حفظ ترتیب و توالی مطالب و پیوستگی مفاهیم، نیازهای مدیران شهری و همچنین نیازهای آموزشی دانشجویان نیز مورد توجه قرار گیرد.

تدوین این اثر با پرداختن به مسائل پژوهشی از طریق ارائه مثال‌های مرتبط با محیط‌های شهری و مراجعه به اکثر منابع معتبر در این حوزه، تلاش جدیدی است که به آن جلوه‌ای منحصر به فرد بخشیده است.

امید است با تلاش‌های گسترده‌ای که در طی سالیان گذشته در تدوین اثر حاضر به عمل آمده، تصویری جامع و عملی از رویکردهای حاکم بر زندگی شهروندی و مدیریت شهری و اخلاق شهروندی (بالاخص در جامعه شهری ایران) به دست آمده تا بدین طریق به بخشی از پرسش‌های علاقه‌مندان به این رشته مطالعاتی و افرادی که در پی انتخابی درست و منطقی هستند و همچنین نخبگانی که درصددند به فعالیت در زمینه‌ی مطالعات فرهنگی و مدیریت شهری و شهرنشینی بپردازند، تا حد امکان پاسخ داده و انگیزه‌های لازم را برای مدیران، دانشجویان و محققین، جهت پیگیری و انجام فعالیت‌های پژوهشی موثرتر فراهم آورد.

به عنوان یک ناشر، مسئولیت اجتماعی خود را در زمینه توسعه فرهنگ، همیشه مد نظر داشته‌ایم و امیدواریم این کوشش، بتواند در زمینه شناخت اخلاق شهروندی موثر باشد باشد، لازم به ذکر است همزمان با این اثر، کتاب "حقوق شهروندی" نیز در همین موسسه در حال انتشار می‌باشد، دو گانه‌ی حقوق شهروندی و اخلاق شهروندی در کنار هم، می‌تواند چارچوب رفتار شهروندی را شکل دهد.

نشر مانانگار لذت مطالعه این دو کتاب را به همه فرهنگ‌دوستان پیشنهاد می‌دهد.

زهره شیخ انصاری

مدیرمسئول نشر مانانگار

www.ketab.ir

پیشگفتار

زندگی شهری، شهرنشینی و شهروندی مفاهیمی است که انسان قرن بیست و یکمی با آن آمیخته است، اما چقدر می‌توانیم تفاوت‌های این مفاهیم اولیه شهری را از هم تفکیک کنیم؟

دو گانه حقوق شهروندی- اخلاق شهروندی به صورت همزمان تدوین شده، چرا؟! پاسخ این است که هر دوی این مفاهیم دو بال یک پرنده هستند! نه حقوق و قوانین به تنهایی راهگشاست و نه اخلاق به تنهایی و بدون پشتوانه قانونی می‌تواند کارآمد باشد.

بسیاری از قواعد حقوقی، از قواعد اخلاق نشأت می‌گیرند و می‌توان گفت مبنای بسیاری از قواعد حقوقی، قواعد علم اخلاق است؛ لزوم وفای به عهد و زشتی ضرر زدن به دیگران و حرمت تصرف غیرمجاز مال غیر که در اخلاق مورد تأکید قرار می‌گیرند، زاینده تعداد زیادی قاعده حقوقی هستند، پس ارتباط بین اخلاق و حقوق بر کسی پوشیده نیست! اما در مواردی با وجود مکمل بودن حقوق و اخلاق، ارتباط علت و معلولی بین دو عنصر وجود ندارد، اما فی‌ذاته مکمل هم هستند؛ برای روشن شدن این موضوع حقوق آپارتمان‌نشینی را با اخلاق همسایه‌داری در آپارتمان می‌توان مقایسه نمود. در بسیاری موارد حقوق همسایگان رعایت شده، خلاف قانون اتفاق نیفتاده اما فرهنگ و اخلاق آپارتمان‌نشینی و مراعات حال همسایگان رعایت نشده و آزاردهندگی این موارد، از نظر حقوقی قابل تعقیب نیست! پس راهکار چیست؟، تنها راهکار ترویج اخلاق همسایه‌داری و فرهنگ آپارتمان‌نشینی است!

تولد دو مفهوم حقوق و اخلاق، از بروز تفاوت‌های بین مفاهیم بنیادین آنها شروع شده است، با وجود ارتباطاتی که بین این دو وجود دارد نباید تصور کرد که حقوق و اخلاق یکی هستند، بلکه تفاوت‌های کلی دارند که در سه حوزه می‌توان مورد توجه قرار داد.

سه حوزه تفاوت بنیادین حقوق و اخلاق عبارتند از:

(۱) تفاوت هدف‌ها: هدف از علم اخلاق تهذیب نفس و پاکی فرد و ایجاد جامعه فاضله

است، اما هدف حقوق، حفظ صلح و امنیت و نظم عمومی و اجرای عدالت است

(۲) **تفاوت قلمرو:** برخی امور در اخلاق حکم دارد مانند دروغ‌گویی ناپسند است اما در حقوق حکمی ندارد، مثلاً صرف دروغ در حقوق ممنوع نیست مگر این که دارای شرایط خاصی باشد و عنوان خاصی پیدا کند، بعلاوه برخی امور در علم اخلاق حکمی ندارد مانند برخی تشریفات سازمان‌های اجرای، لکن در حقوق به رسمیت شناخته شده است.

(۳) **تفاوت ضمان اجراها:** ضمانت اجرای قواعد اخلاقی، سرزنش دیگران و عذاب وجدان است که با ضمانت اجرای حقوق که مجازات، بطلان عمل حقوقی، مسئولیت مدنی و... می باشد، متفاوت است.

پیش از ورود به اخلاق شهروندی، لازم است مروری بر این داشته باشیم که اصلاً شهروندی کیست؟ مفهوم شهروندی چه جایگاهی دارد؟

شهروندی را قالب پیشرفته «شهروندی» می‌دانند. به باور برخی از کارشناسان، شهروندان هنگامی که به حقوق یکدیگر احترام گذارده و به مسئولیت‌های خویش در قبال شهر و اجتماع عمل نمایند به «شهروند» ارتقاء یافته‌اند.

شهروندی تا پیش از این در حوزه اجتماعی شهری بررسی می‌شد اما پس از آن شهروندی مفاهیم خود را به ایالت و کشور گسترش داده است. اگرچه امروزه بسیاری به شهروندی جهانی نیز می‌اندیشند. شهروندی امروزه کاربردها و معانی مختلفی یافته است.

مفهوم شهروندی، در جوامع مختلف و در ادوار زمانی متفاوت دستخوش تغییراتی شده است. در اغلب این تعاریف، جنبه‌های حقوقی شهروندی مورد تأکید قرار گرفته است. با این همه، تجربه شهروندی تنها متکی به پایگاه حقوقی افراد نیست، بلکه به روابط بین افراد و گروه‌های اجتماعی نیز بستگی دارد.

هر فرد یا گروهی ممکن است فشارها و محدودیت‌هایی را در اجرای نقش شهروندی خویش تجربه کند. این فشارها و محدودیت‌ها نیز به سهم خود بر هویت افراد و گروه‌ها و احساس تعلق و وابستگی آنها به نظام اجتماعی تأثیر می‌گذارند. بدین ترتیب، شرایطی که یک نظام اجتماعی از آن برخوردار است، می‌تواند به زمینه احساس مشترک میان اعضای آن جامعه به عنوان شهروند تبدیل شود و یا به جدایی و کنار ماندن آنها بینجامد.

حقوق شهروندی^۱ از جمله محورهای بسیار مهم و اساسی هر نظام و سیستم حقوقی در جهان است. در نظم و نظام حقوقی کشور ایران، اگر چه مصادیق آن شناسایی و تا حدی تعیین شده است، اما این اصطلاح همانند بسیاری از اصطلاحات حقوق عمومی به صورت جامع در منابع حقوقی یا از سوی قانون‌گذار تبیین نشده است. بر اساس جمع‌بندی از مجموع تعاریفی که در این زمینه ارائه شده و نیز برخی ملاحظات نظری تکمیلی، می‌توان گفت حقوق شهروندی عبارت است از:

«مجموعه‌ای از حقوق، اختیارات و امتیازات افراد یا گروه‌هایی از مردم که با حکومت یک کشور دارای رابطه شهروندی (تابعیت) بوده و استیفا یا بهره‌مندی از تمام یا بخشی از آنها مشروط و مقید به انجام تکالیف شهروندی و التزام به قوانین و مقررات عمومی کشور مذکور است.»

یک شهروند یک عضو رسمی یک شهر، ایالت یا کشور است. این دیدگاه، حقوق و مسئولیت‌هایی را به شهروند یادآور می‌شود که در قانون پیش‌بینی و تدوین شده‌است. از نظر حقوقی، جامعه نیازمند وجود مقرراتی است که روابط تجاری، اموال، مالکیت، شهرسازی، سیاسی و حتی مسائل خانوادگی را در نظر گرفته و سامان دهد. از این رو از دید شهری موضوع حقوق شهروندی، روابط مردم شهر، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر و اصول و هدف‌ها و وظایف و روش انجام آن است. همچنین نحوه اداره امور شهر و کیفیت نظارت بر رشد هماهنگ شهر است که می‌توان به عنوان مهم‌ترین اصولی بدانیم که منشعب از حقوق اساسی کشور است.

در واقع حقوق شهروندی آمیخته‌ای است از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تأمین آن حقوق بر عهده مدیران شهری (شهرداری و فرمانداری)، دولت یا به‌طور کلی قوای حاکم می‌باشد. به مجموعه این حقوق و مسئولیت‌ها، «حقوق شهروندی» گفته می‌شود.

اما شهروندی پویا چیست؟ شهروندی اشاره به زندگی روزمره، فعالیت‌های فردی و کسب و کار افراد اجتماع و همچنین فعالیت‌های اجتماعی ایشان دارد و به‌طور کلی مجموعه‌ای

از رفتار و اعمال افراد در برابر مکان زندگی است. شهروندی پویا یا شهروندی فعال در واقع از این نگرش برخاسته است.

شهروندی از منظر پویایی، مجموعه گسترده‌ای از فعالیت‌های فردی و اجتماعی است. فعالیت‌هایی که اگرچه فردی باشند اما برآیند آن‌ها به پیشرفت وضعیت اجتماعی کمک خواهد کرد. همچنین است مشارکتهای اقتصادی، خدمات عمومی، فعالیت‌های داوطلبانه و دیگر فعالیت‌های اجتماعی که در بهبود وضعیت زندگی همه شهروندان مؤثر خواهد افتاد. در واقع این نگاه ضمن اشاره به حقوق شهروندی مدون و قانونی در نگاه کلی‌تر به رفتارهای اجتماعی و اخلاقی می‌پردازد که اجتماع از شهروندان خود انتظار دارد. دریافت این مفاهیم شهروندی نیازمند فضایی مناسب برای گفتگو و مشارکت مردم با نقطه نظرات متفاوت و نظارت عمومی است.

آموزش شهروندی به‌طور غیررسمی در خانه یا محل کار یا کارگاه‌های آموزشی یا به‌طور رسمی به صورت سرفصل درسی مجزا در مدارس و حتی مدارس ابتدایی یا به صورت رشته تحصیلی دانشگاهی در واقع به شهروندان می‌آموزد که چگونه یک شهروند فعال، آگاه و مسئولیت پذیر باشند. در واقع مبنای این آموزش‌ها پرورش یک شهروند نمونه یا شهروند خوب یا ارائه یک الگوی شهروندی نیست بلکه به آنان می‌آموزد که چگونه تصمیمات خود را با توجه به مسئولیت‌هایشان در قبال اجتماع و زندگی فردی خود اتخاذ نمایند.

تربیت شهروندی، یکی از فروع شهروندی است که با توجه به تحولات سریع اجتماعی، فناوری و سیاسی دوران معاصر، از جمله دل‌مشغولی‌های برنامه‌ریزان و سیاستگذاران تعلیم و تربیت کشورهای جهان به‌شمار می‌آید. در کشورهای توسعه یافته مفاهیم شهروندی از دوران کودکی تا نوجوانی آموزش داده می‌شود و دولت نیز آموزش‌های لازم را در اختیار والدین و معلمان قرار می‌دهد. در انگلیس از سال ۲۰۰۲ میلادی، آموزش شهروندی و آشنایی با آن به‌طور رسمی در برنامه درسی مدارس از سنین ۱۱ تا ۱۶ سالگی قرار گرفت. اهداف این آموزش‌ها عموماً موارد ذیل است:

- (۱) آشنایی با حقوق و مسئولیت‌های شهروندی؛
- (۲) بحث و بررسی درباره سرفصل‌ها و موضوعات مهم شهروندی؛
- (۳) فهم و شناخت جامعه و آشنایی با فعالیت‌های اجتماعی؛

۴) مشارکت فعال در یک برنامه اجتماعی یا گروهی.

از دیگر سو، امروزه به دلیل تنوع نیازها و تخصصی شدن مشاغل، افراد یک خانواده برای تأمین حداقل مایحتاج مصرفی خود نیازمند استفاده از کالاهای و خدمات عرضه شده توسط دیگران هستند. از اینرو نیاز به کالاهای مصرفی و خدمات یک نیاز ضروری و اجتناب ناپذیر است که هرگونه اختلال در تولید و توزیع آن‌ها می‌تواند جامعه و مدیریت آن را به چالش بکشد و علاوه بر زیان‌های مادی صدمات و زیان‌های معنوی را نیز متوجه مصرف‌کننده نماید.

مفهوم حقوق بشر اغلب در کنار دو مفهوم «حقوق اساسی» و «حقوق شهروندی» مطرح می‌شود. این سه مفهوم، گاه مترادف جانشین یکدیگر به کار می‌روند اما در تفکیک مفهومی مرزهای ظریفی میان این مفاهیم سه‌گانه و دلالت موضوعی وجود دارد.

می‌توان گفت حقوق شهروندی آن بخش از حقوق اساسی است که در قانون اساسی هر کشوری شکل «ملی» به خود می‌گیرد و فقط شامل حال شهروندان همان کشور خاص می‌شود (مانند حق مشارکت سیاسی که ملهم از حقوق بشر در شکل نسبی آن است).

بسیاری بر این عقیده‌اند که قوانین موضوعه هر کشوری تأثیر مستقیم از مفهوم شهروندی و حقوق شهروندی می‌پذیرد. بعضی شهروندی را در ابعاد اجتماعی، سیاسی و مدنی تقسیم‌بندی می‌کنند اما به نظر می‌رسد در دسته‌بندی کلی می‌توان شهروندی را در مسئولیت‌های فردی و اجتماعی شهروندان و همچنین مسئولیت‌های دولت در قبال شهروندان بررسی کرد. با نگاهی کلی در جوامع مختلف می‌توان بخشی از این مفاهیم مشترک را عنوان و تکمیل کرد.

شهروندی یعنی تتور مسئولیت‌های اجتماعی؛ شهروندان به‌طور داوطلبانه امکانات خود را جهت کمک به پیشرفت و بهبود شهر به کار می‌گیرند. شهروندان فعال با توجه به تخصص و استعداد خود در سازمان‌ها و کمیته‌های محلی گوناگون نظیر انجمن اولیا و مربیان و سازمان‌های غیردولتی عضویت داشته و فعالیت می‌کنند. شرکت در نشست‌ها و اجتماعات شهری، حضور در محکمه‌های عمومی، هیئت منصفه یا هیئت‌های حل اختلاف، مشارکت در پروژه‌های اجتماعی برای پیشرفت جامعه و همچنین یافتن مشکلات و راه‌حل آن‌ها بسیار سودمند خواهد بود. صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که اجتماعات محلی، و نهادهای

مردم‌محور می‌توانند با ارائه رفتارهای جدید و نهادینه ساختن آن‌ها در جوامع، نقش مؤثری در ایجاد و بازتولید مفهوم شهروندی ایفا نمایند.

شهروندی علاوه بر مسئولیت‌های جمعی، مسئولیت‌های فردی نیز شامل می‌شود؛ برخی مسئولیت‌های مهم فردی در قبال جامعه‌ی شهری که عضو آن است، عبارتند از:

✓ **وظیفه‌ی رأی دادن:** حق رأی در عین حالی که، از نظر بسیاری، از جمله مسئولیت‌های شهروندی محسوب می‌گردد اما در واقع یک امتیاز نیز می‌باشد؛ که به صورت برابر برای همه فراهم شده است! کسانی که رأی نمی‌دهند در واقع صدایشان در دولت شنیده نمی‌شود. رأی ندادن هرگز به معنای رد مشروعیت حکومت نیست! رأی ندادن فقط به این معناست که من تمایلی به مشارکت در تصمیمات موثر در همه چیز زندگی خودم ندارم!!! البته قبل از هر رأی‌گیری، اطلاعات مربوط به موضوع یا نامزدها باید به صورت شفاف به اطلاع شهروندان برسد.

✓ **خدمت در ارتش:** در زمان جنگ، هر مردی که توانایی بدنی دارد، برای جنگ فراخوانده می‌شود. در زمان صلح نیز به صورت خدمت اجباری سربازی یا داوطلبانه در نیروهای مسلح حاضر می‌شوند. در بعضی ایالات یا مناطق محلی، ممکن است به افرادی فرمان داده شود تا در دستگیری مجرم‌ها یا برای برقراری صلح و امنیت یا اجرای یک فرمان به کلاتر کمک کنند.

✓ **احترام به قانون و حقوق دیگران:** هر شهروندی می‌بایست از قوانین اجتماع، ایالت و کشوری که در آنجا زندگی می‌کند، پیروی کند. هر شهروندی می‌بایست به حقوق دیگران احترام بگذارد.

✓ **پرداخت مالیات:** هر شهروندی موظف به پرداخت مالیات بر درآمد و دیگر عوارض قانونی بر اساس درستکاری و راستی و به موقع می‌باشد.

در مقابل مسئولیت‌های مردم، دولت‌ها نیز مسئولیت‌هایی بر عهده دارند، دولت در موضوعات شهری فقط به مفهوم دولت قانونی در کشور نیست، بلکه حکومت‌های محلی تا سطح دهیاری‌ها نیز شامل جامعیت دولت می‌شود. دولت بالادستی و دولت‌های محلی و به مفهوم عام دولت، نقش سیاست‌گذار دارد! همین! پرسش این است، دولت در نقش سیاست‌گذار یعنی چه؟ چه چالش‌هایی با سیاست‌گذاری دولت حل می‌شود؟

کلمه دولت، زمانی که بحث از زیست انسانی مطرح می‌شود، مغالطه‌ای گمراه کننده است! در واقع مردم بیش از آنکه دولت حاکم بر خود را بشناسند، چارچوب تامین نیازهای خود در پیرامون را می‌شناسند، فی‌الواقع اصلاً برای مردم فرقی نمی‌کند که چه نوع حکومتی داشته باشند، بلکه برای آنها بسیار فرق می‌کند که نیازهایشان برآورده می‌شود یا نمی‌شود! لمس نیازهای مردم، در شهر اتفاق می‌افتد نه در کشور!!!

بنابراین سخن گفتن از کشور، و مقصر دانستن دولت مرکزی یا حاکمیت بالادستی فراقانونانه و مغالطه‌آمیز است؛ دولت نه تنها تاجر خوبی نیست، بلکه بنگاه‌دار خوبی هم نیست، پیمانکار بسیار بدی هم هست! پس بهتر است، دولت همان دولت باشد و به سیاست‌گذاری بالادستی خود بپردازد و حکومت‌های محلی به عنوان دولت کوچک، به ارتقای سطح زندگی مردم بپردازند. با همین مغالطه در کشور ما در ۴۵ سال گذشته تنها توسعه کالبدی گسترش یافته و خبری از توسعه فضایی نیست! ما فقط ساختمان‌های بیشتر، اداره‌های بیشتر، ارگان‌های بیشتر و حتی قانون‌های بیشتر ساخته‌ایم و خبری از نهادهایی که در اجتماع و چه در اقتصاد و چه در فرهنگ نیست! شده‌ایم شبیه صدف تو خالی، صدفی از جنس طلا، که مروارید ندارد! در مقام مثال مردی که خانه بزرگ دارد، خودروی گران قیمت دارد ولی نه همسر دارد نه فرزند و نه آرامش! نهاد سازی، در جامعه زمانی شکل می‌گیرد که مردم در اولویت باشند و نیازهایشان برآورده شود و میدان عمل را هم در اختیار بگیرند و هم خودی بدانند! مردم اگر خود را صاحبخانه ندانند و نپندارند، توسعه اتفاق نمی‌افتد! عوامل ایجاد شهرها یکی از مسائل مهم و در خور پژوهش است که تا حدودی ریشه در تاریخ کهن و تاریخ معاصر دارد، بد نیست مفاهیم بنیادی شهرهای گذشته و امروز را از منظر «فونکسیون‌های ذاتی و عملکردی شهر» بررسی نماییم.

در واقع شهرها چه در گذشته و چه در امروز لاجرم باید تشکیل می‌شدند یا باید تشکیل شوند تا عملکردهایی داشته باشند؛ متأسفانه بررسی نویسنده این مطالعه نشان داده که با وجود تنوع چشم‌گیر تعاریف شهر و مفهوم شهر، هنوز مدل جامعی برای تبیین فونکسیون‌های ذاتی شهر معرفی نشده است؛ نبود یک مدل جامع، باعث می‌شود مدیریت

۱. فونکسیون مجموعه وظایف، تکالیف و مسئولیت‌هایی است که شخص به واسطه مقام، شغل یا حرفه خود به عهده دارد. مثلاً گفته می‌شود این مسئولیت مربوط به فونکسیون رئیس دانشکده در یک دانشگاه، وزیر و یا فلان کارمند در یک اداره می‌شود، و گاه در مورد یک فرد به کار می‌رود چنانکه وقتی کسی وظایف مربوط به مسئولیت خود را بخوبی انجام ندهد، می‌گویند فلان مقام در انجام فونکسیون خود سهل‌انگاری کرده است.

شهری دچار عملکرد بخشی شود و در هر شهر، چند نقطه قوت در کنار چند نقطه ضعف به وجود آید و در نتیجه این اختلاف امکانات، بالا رفتن پتانسیل‌های جذب یک شهر در کنار ضعف شهر یا شهرهای دیگر را به وجود می‌آورد و این اختلاف پتانسیل سفر، کوچ یا مهاجرت را به دنبال دارد.

نتایج این مطالعه از پنج جهت بسیار اهمیت دارد:

- ۱) بالاترین نقطه انتظار مردم از شهر معرفی می‌شود.
- ۲) پلکان رسیدن به بالاترین نقطه بر آوردن انتظارات مردم از شهر معرفی می‌شود.
- ۳) مدیریت شهری یکپارچه، سامان‌دهی می‌شود.
- ۴) اثبات می‌شود هر شهری می‌تواند «شهر آرمانی برای مردم بومی خود» باشد.
- ۵) نقش کلیدی شهرگردانی در اقتصاد کسب و کارهای حوزه صنعت ساخت و ساز نیز تبیین می‌گردد.

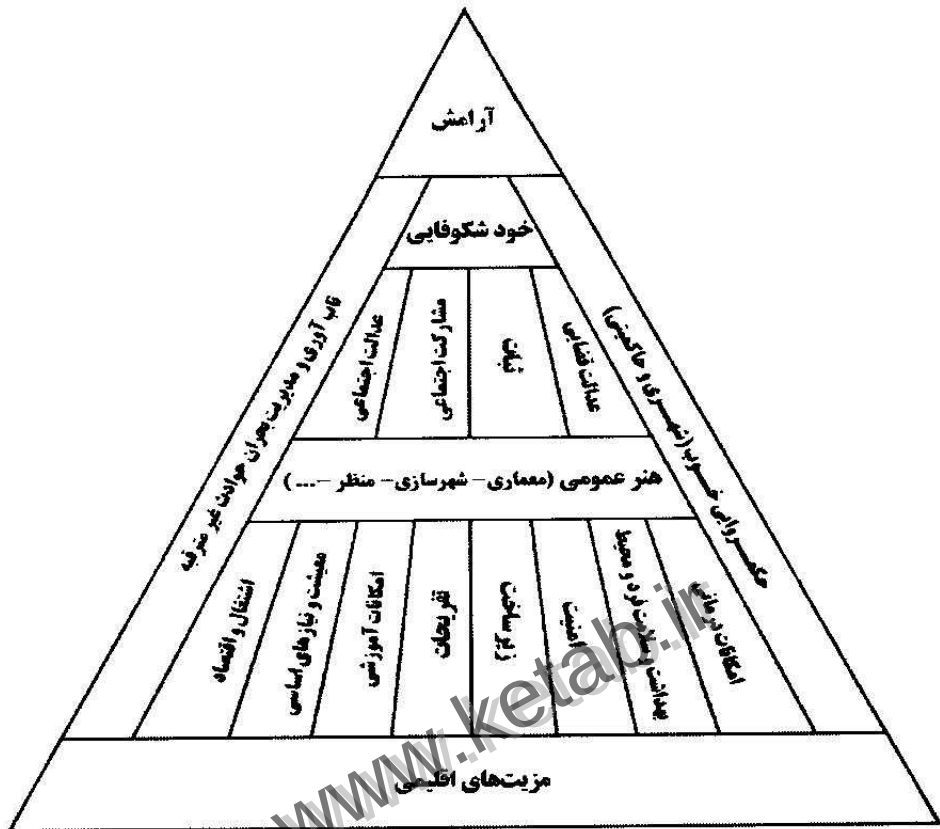
در تعریف شهر اتفاق نظری وجود ندارد و در تعاریف بیان شده بر مواردی نظیر تعداد جمعیت، نوع فعالیت‌های اقتصادی، حوزه اداری و موارد دیگری اشاره شده است لیکن در بعد جهانی برای شناخت شهر از روستا بیشتر بر تعداد جمعیت تاکید شده است. اساساً باید پرسید، از نظر انسانی، آیا تفاوتی در فونکسیون‌های ذاتی، بین شهر و روستا وجود دارد یا خیر؟ آیا شهروند یک شهر در مقابل یک روستاییین برتری ذاتی دارد؟ در پاسخ به هر دو سوال باید گفت، خیر. برتری شهروندی در یک شهر و زندگی در یک روستا از بعد انسانی نیست، از نوع تفاوت و محدودیت یا تنوع در دسترسی به امکانات است؛ در واقع مدیریت کلان در یک کشور باید به سویی حرکت کند که میزان دسترسی به امکانات معرفی شده در مدل حاضر، در تمام نقاط متعادل باشد و تفاوتی در ماهیت یا عنوان وجود نخواهد داشت. در واقع طبق مدلی که این مطالعه معرفی می‌نماید شهر می‌تواند متشکل از هر تعداد جمعیت انسانی باشد، مشروط بر آنکه بتواند مدل ارائه شده را پیاده‌سازی نماید.

در تعاریف گذشته تا به امروز، ملاک شناخت شهرها فونکسیون‌های ذاتی نبوده بلکه تفاوت‌های ظاهری مانند نوع اشتغال مردم، مرزی برای شناخت شهر و ایجاد یک تعریف پایه برای شهر، بر مبنای تمیز شهر از روستا شده است. با توجه به کم و کاستی‌های مربوط به تعاریف شهر، تاکید بر نقش شهر (نوع کارکرد) بهتر ما را در شناخت شهر و تمایز قائل

شدن بین آن و روستا هدایت می‌کند. بدین معنی که در شهرها نقش‌هایی وجود دارد که روستاها فاقد آن هستند. بنابراین در شناخت شهر به دو کارکرد بیشتر توجه می‌شود؛ یکی اینکه شهرها کارکرد غیر کشاورزی دارند و دوم اینکه اغلب شهرها به تولید کالا و بیش از آن به مبادله کالا می‌پردازند؛ یعنی اینکه فعالیت‌های غیر کشاورزی بر اقتصاد شهر غلبه دارد. با توجه به موارد ذکر شده، در برخی کشورها در شناخت شهر از روستا کارکردهای اقتصادی به همراه میزان جمعیت اساس کار قرار می‌گیرد. بنابراین تاکید بر یک عامل در شناخت شهر کفایت نمی‌کند.

در طول تاریخ شناخت شهر از طریق کارکرد آن از اعتبار سیاسی و حکومتی برخوردار بوده است بویژه که از ابتدای پیدایش شهرها، شهر با نقش‌های اداری سیاسی و مذهبی شناخته می‌شد بنابراین اولین شهرها دارای نقش اداری سیاسی بوده‌اند. لیکن امروز، شهرها دارای کارکردهای متنوعی به ویژه کارکردهای اقتصادی صنعتی و خدماتی خدمات رسانی می‌باشند.

حال پرسش این است، شهر خوب چه شهری‌ست؟ در پاسخ باید گفت: شهر خوب شهری‌ست که مردم در آن احساس آرامش کنند. برای احساس آرامش شهر باید نیازهای آنان را برآورده کند و تصویر زیر اجزای احساس آرامش مردم در شهر را تشریح می‌کند.



مدل مفهومی فونکسیون‌های ذاتی و عملکردی شهر

همان‌طور که در تصویر مدل مشخص است، هدف هر فرد از زندگی در شهر، در نهایت زیستن در آرامش است، اما برای زیستن در آرامش باید شهر بتواند در زمینه‌های قید شده و با توجه به اولویت، نیازهایی را بر آورده نماید.

در واقع، دولت و حکومتی موفق است، که بتواند با سیاستگذاری صحیح و بدون مداخله مستقیم و بدون تصدی‌گری، بدون بنگاه‌داری، بدون پیمانکاری مستقیم و حتی بدون کارفرما شدن، حکومت‌های محلی را در جهت تامین نیازهای مردم و رساندن مردم به آرامش به گونه‌ای هدایت کند که مردم خودشان را مالک واقعی بدانند، به خودشکوفایی برسند و همه نیازهایشان به صورت عالی (از منظر خودشان) تامین گردد.

خبر کوتاه بود و تکان‌دهنده، «تهران و بیست استان دیگر خشکسالی شدید دارند» این خبر را رییس مرکز ملی خشکسالی و مدیریت بحران سازمان هواشناسی کشور در سال

۱۳۹۷ اعلام کرد؛ اما اعلام نکرد چه جمعیتی در اثر خشکسالی مجبور به مهاجرت و کوچ خواهند شد؟! در واقع نمی‌توانست هم اعلام کند! زیرا نه در حوزه تخصص‌اش بود و نه در حوزه کاری‌اش! اینکه بررسی این موضوعات وظیفه کیست و نهاد متولی کدام نهاد است خود جای بحث و بررسی مفصل دارد. حال چند پرسش مطرح می‌شود، بخشی مهمی از موضوع هستند.

■ آیا می‌توان به مردمی که در اثر بی‌آبی کشتزارها و منابع درآمدی‌شان را از دست داده‌اند، به دلیل عدم دسترسی به آب سالم و کافی درگیر بیماری‌های واگیردار شده‌اند و سلامت خانواده‌هایشان در خطر جدی افتاده اجازه جابجایی در داخل کشور را نداد؟

■ آیا مکانیزم پایش شهروندی، (مانند کارت اقامت ایالتی یا موارد مرسوم دیگر در کشورهای پیشرفته)، در کشور داریم؟ اصلاً می‌توانیم داشته باشیم؟ آیا می‌توانیم بین شهروندان کشور مرز منطقه‌ای، نژادی یا قومیتی یا مذهب‌محور بکشیم؟

■ آیا شهرهای مقصد در داخل کشور شناسایی شده‌اند؟ آیا تمهیدات مناسب برای کنترل تبعات این کوچ عظیم و حتی الوقوع دیده شده است؟

در پاسخ به هر سه سوال، فقط به یک پاسخ می‌رسیم: «خیر!»

این پاسخ صریح و شفاف و تعیین‌کننده را مردم خیلی سریع در از حکومت دریافت کرده‌اند. به همین علت به گزارش منابع رسمی، بیش از یک‌هزار ایرانی در سه ماهه اول سال ۱۳۹۷ در کشور ترکیه، ویلا و آپارتمان با متوسط قیمت ۲۵۰ هزار دلار خریداری کرده‌اند. این عدد برابر می‌شود با، «دویست و پنجاه میلیون دلار»! آیا اگر اعتماد مردم به سیستم کشورداری پابرجا بود، نمی‌توانستیم همین مبلغ را، که تنها گوشه‌ای از خسارات است، برای کنترل همین بحران و عبور از دوره خشکسالی به کار ببندیم؟

باید این نکته را هم در نظر داشت که، کسی که در سال ۱۳۹۷ متوسط، دویست و پنجاه هزار دلار برای خرید یک خانه در خارج از کشور هزینه می‌کند، از طبقه فرودست جامعه نیست! یا از طبقه متخصص جامعه است و یا از طبقه صاحب سرمایه جامعه! با خروج این فرد هم تخصصش از ایران خارج می‌شود و هم سرمایه‌اش و هم سرمایه‌گذاری اجتماعی کشور که این فرد را با استفاده از بودجه‌های عمومی کشور، به یک متخصص تبدیل کرده نابود می‌شود!

زاویه دیگر نگاه به بحران کوچ و مهاجرت ناشی از خشکسالی، میزان آمادگی مقصد برای جذب این خیل کوچ‌کنندگان غیرفصلی ست، آیا مقاصد کوچ تاکنون به درستی شناسایی و استعدادیابی شده‌اند؟ آیا تبعات کوچ در آنها پایش می‌شود؟ آیا باید طبق نظریه ساموئل هانتینگتون منتظر برخورد فرهنگ‌ها و تمدن‌های داخلی باشیم؟ آیا طبق نظریه سید محمد خاتمی، فرهنگ کوچندگان با فرهنگ میزبانان گفتگو خواهد کرد؟ آیا خرده‌فرهنگ‌ها به دست عمده فرهنگ‌ها نابود می‌شوند؟ این سوالات را وقتی لمس خواهید کرد که حاشیه‌نشینی در شهرهای مقصد جمعیت، ترند افزایشی بیابد. عامل اصلی حاشیه‌نشینی، فقر و بیکاری ست و در موارد نادر، عامل حاشیه‌نشینی نبود امکانات مسکن کافی هم گزارش شده است، که این خود به نبود زیرساخت کافی برای کوچ برمی‌گردد.

در واقع نکته مورد نظر ما این است که «تا زمانی که فرصت و امکانات داریم و زنگ خطر کوچ به صدا در نیامده باید برای این اتفاق حتمی آماده بشویم، نه تنها می‌توانیم از بحران به سلامت گذر کنیم بلکه می‌توانیم از پتانسیل‌های عظیم این کوچ برای اشتغال بیشتر و رونق اقتصادی بیشتر استفاده کنیم!» در بدترین شرایط، اگر این کوچندگان هیچگونه تخصصی نداشته باشند، لاقلاً به زبان فارسی صحبت می‌کنند، با قوانین کار در داخل آشنایی اندک دارند، با شرایط زندگی در ایران آشنا هستند، بخش عظیمی سالم و جوان هستند، شهروند ایران هستند و با همه آنها از یک خون و تبار هستیم و با جمع‌بندی این موارد به این نتیجه می‌رسیم که با یک آموزش کوتاه مدت فنی و حرفه‌ای، می‌توانیم از همه آنها تکنسین مناسب برای کارگاه‌ها و کارخانه‌ها و کشت‌و‌صنعت‌های بزرگ بسازیم. وقتی یک مهاجر داخلی، به محض ورود به شهر جدید و با فرهنگ جدید، با مزیت اشتغال و معیشت و با دسترسی به امکانات اولیه، (هشت نیاز اساسی بن هرم فونکسیون) مواجه می‌شود تمام تلاش خود را می‌کند تا به بخشی از آن فرهنگ و جامعه میزبان بدل شود تا راه برای پیشرفت و موفقیتش هموارتر گردد؛ در عین حال که خلق و خوی ذاتی خودش را هم فراموش نکرده و به یک انسان با دو بخش خوب از دو فرهنگ گاه متناقض، تبدیل شده است، این فرد نمی‌تواند قسمت‌های آزادنده فرهنگ خود را به جامعه جدید تحمیل کند و همین‌طور نمی‌تواند قسمت‌های آزادنده فرهنگ جدید را به دلیل میهمان بودن، اخذ نماید! به همین دلیل مهاجرین در اکثر جوامع منضبط تر از بومیان آن فرهنگ

هستند. در مقابل اگر مزیت اشتغال و آن هفت نیاز اساسی دیگر را برای مهاجر در نظر نگیریم چه اتفاقی می‌افتد؟ رشد افسارگسیخته‌ی حاشیه‌نشینی، گسترش ناامنی، گسترش مشاغل مخرب مانند توزیع مواد مخدر، گسترش مشاغل مزاحم مانند دستفروشی، کاهش تولید، کاهش سرانه زیرساخت و... این موارد وقتی در اصل یک کوچ ملی اتفاق بیوفتد فرهنگ مقصد و شهروندان مقصد کوچ، را به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهد و در موارد بسیار باعث شده، صاحبان تخصص و سرمایه موطن خود را ترک کنند و غالباً دست به مهاجرت خارج از کشور بزنند و تنها نتیجه قطعی این اتفاقات ویرانی مقصد و فرهنگ بومی آن خواهد بود.

به عنوان یک نتیجه قطعی «اگر مقصد مستعد کوچ به درستی شناخته شود، مدیریت تخصیص منابع استانی و شهری به صورت یکپارچه و همسو، توسعه امکانات و زیرساخت‌های ذکر شده در تصویر جدول فونکسیون، را در دستورکار قرار دهند، به جای اینکه کوچ در اثر بی‌ای اتفاق بیوفتد، شهر مقصد به دلیل پتانسیل‌های کاری ایجاد شده و وجود زیرساخت کافی، در انتظار متخصصین و سرمایه‌داران داخلی را جذب می‌کند و در مرحله دوم، در قالب فراخوان نیروی کار، همان مهاجران را با فرش قرمز به کار و اشتغال دعوت می‌کند، فرهنگ خود را حفظ می‌کند، اشتغال و تولید بیشتر ایجاد می‌کند، کشور را به خودکفایی نزدیکتر می‌کند، وظیفه ملی دینی میهنی خود در مقابل هموطن کوچنده را بهتر به جا می‌آورد، تولید ثروت بیشتر باعث رونق بیشتر منطقه هم خواهد شد و منطقه را به صادرکننده انواع محصولات بدل می‌کند.

تا قبل از این در ایران، شهروندی تنها از منظر شهر و شهرنشینی مطرح می‌گردید و شهروندی رابطه متقابل یک شهرنشین با شهر و مدیران شهری و شهرداری دیده می‌شد و حقوق شهروندی را در گرو تصویب نقشه جامع شهر می‌دیدند.

اما استفاده از واژه شهروند و شهروندی یا حقوق شهروندی در سال‌های اخیر در میان حقوقدانان و مجامع قانونی و حقوقی دید جامع‌تری یافت. در سال ۸۳ قانونی با عنوان «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» به تصویب مجلس رسید و به نام «بخشنامه حقوق شهروندی» در قوه قضاییه، دستورکار واحدها گردید. رئیس مهم این قانون درباره نحوه بازداشت و بازجویی و منع شکنجه و رفتار با متهمان توسط ضابطین و مجریان قضایی بود.

هر چند در سال‌های اخیر واژه شهروند به جای تبعه در ایران به سرعت فراگیر شده و کاربرد عمومی پیدا کرده‌است اما برخی از صاحب‌نظران در امور مسائل حقوقی و زبانی هنوز هم به این عقیده‌اند که در جوامع چون ایران، تاجیکستان و افغانستان که تا هنوز اختلاف سطح توسعه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میان شهر و روستا خیلی بزرگ است، کاربرد این واژه به جای تبعه در حقیقت تبعیض در مقابل روستاییان به‌شمار خواهد رفت. زیرا به آن‌ها شاید این تصور داده شود که آن‌ها مانند شهرنشینان اتباع متساوی‌الحقوق کشور به‌شمار نمی‌روند. در ایران به کودکانی که یکی از والدین آن‌ها شهروند کشورهایی مانند افغانستان و پاکستان باشد با مشکل شهروندی روبرو هستند. سالانه ۱۲ هزار دختر ایرانی با اتباع بیگانه ازدواج می‌کنند. به استناد آمارهای منتشر شده ۳۳ هزار فرزند حاصل از ازدواج دختران مشهد با اتباع بیگانه بدون شناسنامه هستند.

قواعد تابعیت در قانون مدنی ایران آورده شده‌اند. جلد دوم قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ با اصلاحات بعدی، در شماری از مواد خود به شرایط کسب تابعیت ایرانی، سلب تابعیت و بازگشت به تابعیت اختصاص پیدا کرده‌است. ماده ۹۷۶ قانون مدنی کسانی را که ایرانی هستند برشمرده و ماده ۹۷۹ شرایطی را که بیگانگان می‌توانند به تابعیت ایرانی درآیند مقرر نموده‌است. ماده ۹۷۹ اعلام می‌دارد: «اشخاصی که دارای شرایط ذیل باشند می‌توانند تابعیت ایران را تحصیل کنند.

(۱) به سن هجده سال تمام رسیده باشند.

(۲) پنج سال اعم از متوالی یا متناوب در ایران ساکن بوده باشند.

(۳) فراری از خدمت نظامی نباشند.

(۴) در هیچ مملکتی به جنح مهم یا جنایت غیرسیاسی محکوم نشده باشند. در مورد فقره دوم این ماده مدت اقامت در خارجه برای خدمت دولت ایران در حکم اقامت در خاک ایران است.

بد نیست نگاهی هم به مفهوم جریان شهروندی بیندازیم؛ جریان شهروندی، جریان فکری فرهنگی مدنی که با محوریت انسان و شهروند بر مبنای آموزه‌های حقوق بشر و شهروندی و آزادی‌های بنیادین و معیارهای انتخابات شفاف - آزاد و عادلانه موازای جریان فکری ناسیونالیسم و جریان فکری اسلامگرا با روش کنشگری مدنی تغییر برای تحقق دولت حقوقی فعالیت می‌کند. به باور این جریان در ایران سه جریان فکری «اسلام‌گرا»،

«ناسیونالیسم» و «شهروندی» وجود دارد که روش کنش خود را بر مبنای «محافظه‌کاری»، «اصلاح‌طلبی»، «مدنی تغییر» برگزیدند. جریان فکری «اسلام‌گرا» که از گروه‌ها و سازمان‌های مختلف و گاه معاند یکدیگر شکل می‌گیرد نظر به نحوه تعامل با نظام جمهوری اسلامی روش کنش‌گری «محافظه‌کاری»، «اصلاح‌طلبی» یا «براندازی» را برگزیدند حال آنکه جریان «ناسیونالیستی» بین دو روش «اصلاح‌طلبی» یا «براندازی» عمل می‌کند. جریان فکری «شهروندی» روش کنشگری «مدنی تغییر» را اختیار کرده است.

جریان شهروندی، جریان انسان‌گرای شهروندی پس از اتفاقات خیابانی دی ماه ۱۳۹۶ مطرح گردید این نظریه دارای تعریف، اهداف، اصول، ارکان و دیدگاه‌های که با محوریت شهروند بر مبنای ادعاهای حقوق بشر و شهروندی آزادی‌های بنیادین و مسئولیت‌پذیری شهروندان است. اما هرگز تئوری‌های فریبنده‌ی آنان به زبان کلمات قابل فهم، بیان نشد تا مشخص شود چقدر صداقت در روایت آنان وجود دارد!

در جریان شهروندی جریان تغییر ادعا این است قاطبه جامعه که خواهان تغییر نظام فکری و اندیشه‌ها، نگرش‌ها و روش‌های برای تغییر وضعیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، قانونگذاری و مدیریتی، حل بحران‌ها و بهبود وضع کشور و شهروندان ایرانی هستند براین باورند که شهروندگرایی تنها نظریه‌ای است که برخلاف رویکردهای نژادی، قومی، دینی، مذهبی، ناسیونالیستی، شونیستی و باستان‌گرایی می‌تواند همه شهروندان ایرانی را از هر جنسیت، نژاد، دین، مذهب، قومیت، زبان، فرهنگ، منطقه جغرافیایی، عقیده سیاسی و هر گروه اجتماعی را تحت پوشش خود گرد آورد و آنچنان فراگیر است که همه ایرانیان خود را دارای حقوق و تکالیف یکسان و برابر، مطالبات و منافع خود را در آن مشاهده و در اداره کشور مشارکت و سهم دانسته که برای تغییر در وضعیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، قانونگذاری و مدیریتی، حل بحران‌ها و بهبود اوضاع کشور و شهروندان ایرانی برابر این تغییرات می‌داند؛ این ادعاها تنها کلماتی غلوآمیز و تحریک‌کننده‌اند!

در صورتی که جریان شهروندی اگر هدف غایی خود را تحقق دولت حقوقی که مبشر تحقق حقوق بشر و شهروندی، قانون‌مداری، برابری، آزادی، تکررگرایی، شایسته‌سالاری، عدالت اجتماعی، تعهد، شفافیت، تنوع، مطالبه‌گری، پاسخ‌گویی، صلح، توسعه، مدارا،

بردباری، مهرورزی، نفی تبعیض، عدم خشونت، ارتقا مسئولیت‌پذیری شهروندان، رعایت حقوق زنان و کودکان و کرامت انسانی را در اعمال پروسه متکامل گام به گام روشنگری، توانمندسازی شهروندان، سازواری (ائتلاف) مدنی، فرمان مدنی، بازنگری همه جانبه قانون اساسی، انتخابات شفاف، آزاد و عادلانه، انتخاب و انتصاب مدیران توسعه یافته باشد، هرگز مردم را به اغتشاش، تخریب اموال عمومی و آسیب به سایر شهروندان دعوت نمی‌کند!

جامعه‌ای که بخواهد پیشرفت کند، باید از مسیر مشارکت عمومی، وارد عرصه بشود!

نه از در اغتشاش و تخریب!

یادمان باشد لهجه‌ی خیابان خشونت است!

امیدواریم مطالعه این کتاب در کنار مطالعه کتاب "حقوق شهروندی" بتواند، قدم کوچکی در جهت افزایش آگاهی عمومی و مشارکت تک تک شهروندان در تعیین سرنوشت خود باشد. ما منکر ضعف‌ها و ایرادات این مکتوب نیستیم، لذا از منتقدین محترم و همه خوانندگان عزیز دعوت می‌کنیم نظرات خود را برای ما ارسال نمایند تا در ویرایش‌های بعدی، ضعف‌های کتاب برطرف گردد.

با احترام فراوان

نویسندگان